زرتشتیان ایران

*کورش نیکنام**

چکیده :

پیروان پیام‌آور ایرانی زرتشت در بین اقوام و ادیان ساکن در ایران از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند؛ زیرا زادگاه خود و پیامبرشان سرزمین ایران است. بنابراین، سرافرازی و آبادانی این کشور همواره در گذشته آرزوی آنان بوده و در آینده نیز خواهد بود. تاریخ زندگی زرتشتیان از حدود چهارهزار سال پیش در ایران آغاز گردیدو در پی یورش‌ها و تهاجم بیگانگان به ایران، فراز و فرودهایی را پشت سر گذاشته است. زرتشتیان برای پاسداری از آیین و فرهنگ خود، قرون متمادی در برابر ناملایمات مقاومت کرده‌اند و اکنون همچون گذشته، با برپایی مراسم، آیین‌ها و جشن‌های این دین، ویژگی‌های فرهنگی خود را پاسداری می‌کنند.

در این مقاله به چگونگی پیدایش و گسترش اندیشه زرتشت در باور مردم ایران، نقش اندیشه این پیام‌آور در کردار آنان و برخی از جشن‌ها و آداب و رسوم زرتشتیان پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها: آریایی، آیین سدره‌پوشی، اهورامزدا، تیرگان، زرتشت، سده، گات‌ها، گاهنبار، مزده یسنا، مهرگان، نوروز

---

* دکترای فلسفه دین زرتشت، عضو هیأت علمی مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب و عضو انجمن موبدان تهران.

مقدمه

زرتشتیان، پیروان آیین یکتاپرستی در ایران باستان هستند و پیام‌آور آنها زرتشت، آموزگار و اندیشمندی است که برای نخستین‌بار یکتاپرستی را به مردم جهان سفارش کرد و شیوه درست زندگی کردن، شادمان زیستن و رستگار شدن را در آغاز به مردم سرزمین ایران آموخت. پیروان وخشور (پیامبر) بزرگ ایران باستان را "مزده‌یسنا"[1]، یعنی پرستندگان مزدا و یا از روی نام بنیانگزار این آیین، زرتشتی می‌نامند.

زرتشتیان در تاریخ پرفراز و فرود این سرزمین همواره با تلاش خویش و از روی خردمندی، سرافراز و سازنده بوده‌اند و ارزش‌های نیک انسانی را که پیامبرشان سفارش کرده است، پاسداری کرده و گسترش داده‌اند. آیین زرتشت زمانی دین رسمی کشور ایران بوده است و گاهی تازیانه قهر زمان چنان ضربه‌ای بر پیکر فرهنگ و اجتماع مزداپرستان وارد کرده که به مرز نابودی نزدیک شده‌اند، ولی به گفته پیامبرشان، راستی در پایان پیروز شده و راست‌اندیشان و درست‌کرداران هم‌چنان در این سرزمین پایدار مانده‌اند. هم‌اکنون زرتشتیان در کشور ایران و برخی از کشورهای جهان با خوشنامی در کنار پیروان ادیان دیگر، زندگی ساده، سازنده و آرامی را می‌گذرانند.

زادگاه زرتشت و بسیاری از پیروان او، سرزمین ایران است. به همین علت، زرتشتیان در نیایش‌های خود سرزمین ایران را نیز پیوسته ستایش می‌کنند و به مردان و زنان پارسای آن درود می‌فرستند. گذری هر چند کوتاه بر چگونگی زندگی، فرهنگ و آداب و رسوم زرتشتیان ایران، پیش درآمدی خواهد بود برای پژوهش و شناسایی فرهنگ ایرانیان آزاداندیش، پرتلاش و پارسا که از پس تاریخ چند هزار ساله ایران تاکنون پاسداری شده و به یادگار مانده است.

1- Mazdayasna

قوم آریایی

به نظر بسیاری از پژوهشگران، اقوام آریایی نخست در جنوب روسیه زندگی می‌کرده‌اند و به دنبال پی‌آمدهایی ناخوش‌آیند و گوناگون مانند خشم طبیعت، نداشتن مسکن کافی، مناسب نبودن آب و هوا و زمین به آرامی جایگاه نخستین زندگی خود را ترک کرده و برای بهره‌گیری از دشت‌های آباد و مناسب برای کشت و کار و زندگی، در آسیای مرکزی پراکنده شدند. گروهی از آنان که در ایران و هندوستان ساکن شدند، هندوایرانی نام گرفتند(آشتیانی، ۱۳۷٤ : ۲۳).

این قوم در آغاز فرهنگ، زبان و آداب و رسوم یکسانی داشتند، ولی پس از مهاجرت و هم‌نشینی با بومیان هوشمند و متمدن ایران و هند، تفاوت‌هایی در نوع اندیشه و زندگی آنها به وجود آمد. گروهی هندوستان را برای زندگی انتخاب کردند که زبان این قوم پس از دگرگونی، سَنسکریت[1] نام گرفت و نوشته‌هایی از آنها به این زبان باقی ماند. نامه‌های دینی از این مجموعه، ودا[2] نام گرفته است.

گروه دیگری از آریایی‌ها، در سرزمین پهناور ایران آن زَمان پراکنده گردیدند. کهن‌ترین یادگار این گروه، آموزش‌ها و سرودهای دینی است که اَوستا[3] نام گرفته است. این مردم در نوشته‌های اوستایی، نژاد خود را آریا، یعنیِ نجیب و آزاده می‌دانستند و سرزمین خود را ایرانویج[4] یعنی سرزمین نیکان و آزادگان نام گذاشتند(پورداود، ١٣٥٦ : ٤١).

اندیشه‌ها و باورهای آریایی

از آن‌جا که زندگی اقوام آریایی در آن زمان دستخوش پدیده‌های طبیعی بوده، آنها به ناچار برای ادامه زندگی خود تلاش کرده‌اند تا دلیل هر پدیده را شناسایی کنند. به این ترتیب، در باور نخستین و اسطوره‌ای آنها دو گونه نگرش برای پدیده‌ها و پی‌آمدهای طبیعی شکل گرفت. آنها در نیروهای طبیعی که برای زندگی

1- Sanscrit

2- Veda

3- Avesta

4- Iranvaiqe

مردم سودمند بودند، مانند آسمان بیکران، روشنایی بی‌پایان، آتش گرمابخش و زمین سودرسان، خدایانی مقدس و برای نیروهای زیان‌آور و ناسازگار با طبیعت نظیر خشکسالی، زلزله، آتشفشان و تاریکی، خدایانی نفرت‌انگیز و خشمگین در نظر گرفته و نگران بودند تا مبادا خدایان بد به خشم آیند و ویرانی به بار آورند. به همین انگیزه، در جست‌وجوی برنامه و انجام عملی بودند تا خدای پنداری خود را خشنود سازند؛ انجام قربانی برای خدایان با مراسمی ویژه، یکی از این کارها بود(آشتیانی ، ۱۳۷٤: ۳۹).

بسیاری از پژوهشگران، آریایی‌ها را اقوامی پرستنده میترا[1] به‌شمار آورده‌اند. زیرا میترا در نوشته‌های دینی "ودا" و "اوستا" و از سوی هر دو گروه مورد ستایش قرار گرفته است. میترا در بین آنها چنان مورد پرستش قرار گرفت که پس از مدتی آیینی به نام مهرپرستی یا میترائیسم از سرزمین هند تا اروپا پراکنده گردید.

مهر یا میترا، از خدایان مشترک گروه‌های نخستین آریایی و خدای نور و راستی به‌شمار می‌رود. گاو نر در آیین مهر پرستی دشمن میترا و جانداران دیگر است و تاریکی و نادانی را به ارمغان می‌آورد. در باور آنها، میترا در آغاز بر گاو نر پیروز شده و آنگاه آن را قربانی کرده است. در تندیس‌هایی که از آیین مهر پرستی به یادگار مانده است، میترا در حال کشتن گاو مشاهده می‌شود(اومستد، ۱۳۵۷: ۳٤).

در باور ایرانیان باستان، میترا دارای پایگاه برجسته‌ای بوده است. میترا در اوستا به نام "میثره"[2] و در فارسی به "مهر" تبدیل شده است. این واژه در پارسی برای خورشید نیز به کار رفته است. در ایران، میترا ایزد جنگ و پیروزی، ایزد نور و روشنایی، ایزد مهر و فروتنی و ایزد داور در روز رستاخیز به‌شمار آمده است.

"وارونا"[3] و "ایندرا"[4] از خدایان دیگر این گروه بوده‌اند. وارونا خدای آسمان بیکران و پاسدار نظم جهان و ایندرا خدای تندر و باران و نگهبان و یاری دهنده آریایی‌ها به‌شمار می‌آمده است(معین، ۱۳۵۵: ۳۷).

1- Mitra
2- Miθra
3- Varona
4- Indra

آریایی‌ها غیر از میترا، وارونا و ایندرا و احترامی که به آتش داشتند، برای پدیده‌های طبیعی دیگر مانند آفتاب، ماه، آب، باد و خاک ارزش قائل بوده و نیز به خدایان و فرشتگان باور داشتند. به نوشته بسیاری از تاریخ‌نگاران، ایرانیان پیش از زرتشت هیچ‌گاه به کمک دستان خود و از چوب و سنگ بت نساخته و در هیچ زمانی بت‌پرست نبوده‌اند(آشتیانی، ۱۳۷٤ : ٤۳).

زرتشت

مردم سرزمین ایران پیش از زرتشت نمادهای طبیعی، فرشتگان و ایزدان وابسته به آنها را ستایش می‌کردند. در آن زمان، ساحران و جادوگران (کَرپن‌ها)[1] با کمک قدرتمندان زمان (کاوی‌ها)[2] مردم را به معابد و نیایش‌گاه‌ها دعوت می‌کردند و با آنها از نیروهای خدایان پنداری سخن می‌گفتند و آنها را وادار می‌کردند تا برای خشنودی خدایان پنداری، قربانی‌های سنگین انجام دهند. در برابر چنین باورهای خرافی، زرتشت رسالت خود را انجام داد و پیام خویش را به گوش مردم جهان رساند و بشر را به یکتاپرستی دعوت کرد(جعفری، ۱۳۵۹: ۳۸).

> *«پیام این راست دین ستایشگر حق چنان برتر از سطح فکر و اندیشه مردم آن زمان بود که نه‌تنها پیام‌آور از خانه و کاشانه خویش رانده شد، که هنوز پس از گذشت هزاران سال، آنها که خود را پیرو او می‌دانند کمتر به حقیقت افکارش آشنا می‌باشند. سرودهای مذهبی که از اعصار بسیار قدیم به نام گاتاها بر جای مانده است، بخشی از پیام بزرگ‌مردی به نام زرتشت است که با رسالتش انقلاب فکری عظیمی پایه‌گذاری شد و هر چند به ظاهر پیروان بسیار نیافت، ولی مستقیم و غیرمستقیم در بسیاری از مکاتب فکری و مذهبی دوران‌های بعد، اثر خود را به جای گذاشت»* (آشتیانی، ۱۳۷٤: ٤۵).

1- Karpan 2- Kavi

پیام پیام‌آور اندیشمند ایران "گاثه‌ها"[1] نام دارد که نخستین سرودهای شعرگونه جهان محسوب می‌شود. این گفتار نغز قسمتی از کتاب یَسنا[2] یکی از نوشته‌های اوستایی است.(۱) خداوند در پیام زرتشت "اَهورامَزدا"[3] نام دارد. اَهورا به معنای هستی‌بخش و مزدا به معنای منش و خردبزرگ است و اهورامزدا یعنی آفریدگار جهان و بخشنده خرد، خداوند جان و بخشنده خرد.

در بند ۸ از هات ۳۱ گات‌ها، زرتشت، اهورامزدا را این‌گونه می‌شناساند:

ای خداوند جان و خرد،
هنگامی که در اندیشه خود
تو را سرآغاز و سرانجام هستی شناختم
آنگاه با دیده دل دریافتم که تویی سرچشمه منش نیک
تویی آفریدگار راستی و داور دادگری
که کردار مردمان گیتی را داوری می‌کنی(آذرگشسب، ۱۳۵۱: ۲۲٤)

در این سرود، زرتشت اهورامزدا را سرآغاز و سرانجام هستی به حساب می‌آورد و بر این باور است که نمی‌توان او را لمس کرد، بلکه با درون‌نگری و دل‌آگاهی و با اندیشه نیک او را می‌توان شناخت. خداوند در گاته‌ها، انسان را خردمند و آگاه آفریده و به او نیروی تشخیص خوب از بد پیشکش کرده است تا بتواند سرنوشت زندگی خویش را از روی دانایی و با اندیشه نیک برگزیند.(۲)

اهورامزدا برای همه انسان‌ها خوشبختی خواستار است، راه درست زیستن و رستگار شدن را با سخنان شیوای زرتشت به جهانیان می‌رساند و آرزو دارد که همه در راه راستی و نیکی گام بردارند تا به جاودانگی برسند. در برابر قانون اَشا[4] (راستی) دانایان از کردار نیک خود به خوشبختی خواهند رسید و نابخرْدان با پیروی از کژاندیشی، گمراهی و نادانی به عذاب دیرپا دچار خواهند شد. او پیروان راه اشویی را اَشَوَن[5] و پیروان دروغ را دْرِگونت[6] می‌خواند(جعفری، ۱۳۵۹: ۷۳).

1- Gaθa
2- Yasna
3- Ahura.Mazda
4- Aša
5- Ašavan
6- Dreguant

سرودهای گاتاها اندیشه برانگیز و پویا کننده خرد است. آموزش‌های گاتائی در جهت کوشش، بالندگی و سازندگی است و بهره‌گیری درست از داده‌های نیک اهورامزدا را همراه با نوآوری سفارش می‌کند.

گاتاها وابسته به زمان و مکان ویژه‌ای نیستند. پیام زرتشت پویا و پایدار است، مربوط به قوم و نژاد و مذهب خاصی نیست، بلکه برای همه کسانی است که خواستار شنیدن هستند و برآنند تا با دیده دل به هستی بنگرند و خوشبختی خود را در خرسند ساختنِ دیگران مشاهده کنند.

در سرودهای گَاتاها، دوگانگی مشاهده نمی‌گردد و پیروزی راستی و اندیشه نیک همواره پایدار است. اندرزها در سخنان اشو زرتشت کلی بیان شده و از امر و نهی در موارد ساده زندگی مردم سخن به میان نیامده است. چگونگی خوردن و آشامیدن، لباس پوشیدن، روزه گرفتن و نماز خواندن را به خِرَد انسان‌ها واگذار می‌کند تا با پیروی از دانش زمان خود، آنها را گزینش کنند. پیام اشو زرتشت سفارش دارد که انسان‌ها از آن‌چه به تن، جان و روان آزار می‌رساند، دوری جویند. پیام گاتاها روا نمی‌دارد که انسان اندیشمند و دانا به سوی خشم، جنگ، ویرانی، دروغ و کینه روی آورد، بلکه خردمند باید مهر، فروتنی، شکیبایی، پارسایی، گذشت و از خودگذشتگی را در خود پرورش دهد.

همراه با گاتاها و کتاب یسنا، نوشته‌های دیگری در قالب ادبیات اوستائی برای زرتشتیان کنونی به یادگار مانده است که برخی از آنها آئین‌ها، باورها، قوانین اجتماعی و دانش‌های گوناگون پیش از زرتشت را گزارش می‌دهد و برخی از نوشته‌ها، برای اجرای مراسم مذهبی، نیایش‌ها و ستایش است که در زمان پادشاهان ساسانی توسط موبدان گردآوری و نگاشته شده‌اند(شهزادی، ۱۳۷۱: ۷۰).

گروهی از پژوهشگران زادگاه پیامبر ایران باستان را غرب سرزمین ایران (در غرب دریاچه ارومیه) می‌دانند، ولی از لهجه و هجای گاتاها ـ سرودهای این پیامبر ـ باید باور داشت که اشو زرتشت در قسمتی از سرزمین خراسان، افغانستان و یا آسیای مرکزی زندگی کرده است(آشتیانی، ۱۳۷٤: ٦۲).

پژوهشگران و تاریخ‌نگاران ایرانی و خارجی، زمان زندگی اشو زرتشت را نیز چندگونه ذکر کرده‌اند. آنها از روی نوشته‌های تاریخی، زبان‌شناسی و آثار به دست آمده باستان‌شناسی، این زمان را بین ۶۰۰ تا ۶۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح آورده‌اند. زمان برگزیده شدن اشو زرتشت به پیامبری و آغاز یکتاپرستی ایرانیان ـ که اکنون هم مورد پذیرش زرتشتیان می‌باشد ـ ۱۷۳۸ سال پیش از میلاد مسیح است. این تاریخ هر سال در گاهنمای زرتشتی درج می‌شود(مهر، ۱۳۷٤: ۱۲۷).

در گاتاهای خاندان اشو زرتشت به جز نام پیامبر و هفت تن از نخستین یاران او که پیروان راستی بودند، از افراد دیگری یاد نشده است. ولی در دیگر نوشته‌های اوستا پدر اشو زرتشت، پُوروشَسْب[1] و مادر او دغدو[2] نام دارد که هر دو از خانواده‌هائی دانا بوده‌اند(معین، ۱۳۵۵: ۹۰).

در ادبیات و روایت‌های اوستایی آمده است که اشو زرتشت پس از دوران نوجوانی و هنگامی که با ذهن کنجکاو خود بسیاری از دانش‌های زمان را فرا گرفت، باورهای مردم را درباره پرستش خدایان پنداری نادرست و مردود دانست و از مردم خواست تا از دستورهای کژ اندیشان و رهبران مذهبی زمان خود پیروی نکنند. اشو زرتشت از سن ۲۰ سالگی برای مدت ۱۰ سال به طبیعت روی آورد و درباره بسیاری از پدیده‌های پیرامون خود در تنهایی اندیشه کرد و آنگاه به عمق آگاهی رسید و در پی پرسش‌های خود، پیامدها و پرسش‌های اهورایی در اندیشه و در خرد او پدیدار گردید. سپس بر آن شد تا آن‌چه را که ذهن کنجکاو او با یاری منش نیک (وهومن) یافته است، به دیگران نیز آموزش دهد و با این انگیزه، آموزگاری و پیام رسانی خود را از سن ۳۰ سالگی آغاز کرد و با سرودن سرودهایی اخلاقی و عرفانی، به راهنمایی دیگران پرداخت(شهزادی، ۱۳۷۱ : ۱٦).

اشو زرتشت پس از چندی با ناسازگاری و دشمنی کرپن‌ها (روحانیان) و شاهزادگان محلی (کاویان) روبرو شد. زیرا با گسترش پیام تازه یکتاپرستی، آنها منافع خود را در خطر دیدند. از این‌رو، اشو زرتشت با یاران اندک خود در سن ٤۲ سالگی به سوی بلخ مهاجرت کرد و در مکانی که دانایان بیشتری در آن زندگی

1- Paurousasb

2- Duqdou

می‌کردند به گسترش پیام خود پرداخت. اندیشه او در آنجا پیروان بیشتری به دست آورد. به‌ویژه، پادشاه کیانی و وابستگان او، کیش زرتشت را پذیرفتند (شهزادی، ۱۳۷۱: ۲۱). از آن پس گشتاسب کیانی در گسترش آیین راستی، یاور و همکار اشو زرتشت بود. اشو زرتشت، ٤۷ سال با تلاش خستگی‌ناپذیر، آیین راستی را با سخنان شیوای خود به مردم آموزش داد تا آنها را از گمراهی، خرافات و نادانی رهایی بخشد و سرانجام در سن ۷۷ سالگی در نیایشگاه بلخ درگذشت (معین، ۱۳۵۵: ۱۱۲). مقبره اشو زرتشت به احتمال زیاد در شهر مزار شریف افغانستان واقع شده‌است که نیایشگاه معروف ساکنان محل است(مهر، ۱۳۷٤: ۱۲۹).

تاریخ زندگی زرتشتیان

تاریخ زندگی یاران و پیروان اندیشه زرتشت، که به آنها مزدیسنان یا پرستندگان مزدا نیز می‌گویند، از برگزیده شدن پیامبر ایرانی آغاز گردید و در زمان گشتاسب کیانی گسترش خود را شروع کرد؛ به‌گونه‌ای که بیشتر مردم ایران در زمان هخامنشیان از اندیشه زرتشت پیروی می‌کردند.

> *«از سراسر سرودهای زرتشت، عشق سوزان او به راستی و تلاش و کوشش او در بهبود زندگانی مردم هویدا است، وی پیوسته می‌سراید: تا مرا تاب و توانی است تعلیم خواهم داد که مردم به سوی راستی بروند. بدون شک تمدن هخامنشی بر پایه آیین زرتشت پی‌ریزی شده و این کیش بهی است که به اخلاق توجه کامل دارد و همواره واقعیت را جست‌وجو می‌کند و از خیال‌پرستی که نتیجه گریز از واقعیت می‌باشد، دوری می‌جوید. هدف دین زرتشت، تلاش در پاک کردن نفس و بهبود محیط اجتماعی از راه انجام سه اصل: اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک می‌باشد»*
> (بختور تاش، ۱۳۷٤: ٤۰۷).

اوج ارج گذاشتن به ارزش‌های انسانی و حقوق بشر در این دوره، به کورش هخامنشی نسبت داده شده‌است. او بی‌گمان از آموزش‌های زرتشت بهره داشته‌است:

> *«به طور مسلم کورش تحت تأثیر عامل مؤثری قرار داشت و آن عامل مهم و مؤثر تعلیمات زرتشت بود. زرتشت همان را اندرز می‌داد که کورش*

کرد، زرتشت مخربین و کشندگان مردم و برده کنندگان آزادگان را دوست نداشت. او با تخریب شهرها، کشتن و اسیر کردن مردم مخالف بود. او خراب کنندگان مزارع را نفرین کرده بود و کورش هم جز این کاری نمی‌کرد. تعلیمات زرتشت در روح و جان او نفوذ کرده بود و او نمی‌توانست علی‌رغم آن کاری بکند. او می‌دانست که ملل مغلوب ممکن است علیه او برخیزند و برای او ایجاد دردسر بکنند، اما نمی‌توانست برای جلوگیری از قیام احتمالی، مردم را قتل‌عام کند و شهرها را بسوزاند. او می‌دانست برده قیمتی است، ولی نمی‌توانست آزادگان را برده کند. او احتیاج به پول داشت، ولی صلاح نمی‌دید که این پول را از طریق غارت شهرها و فروش مردمان آزاد به دست آورد، زیرا این اعمال مخالف تعلیم زرتشت بود»(سالور، ۱۳٤۰: ۳۱٤).

داریوش و خشایارشا در سنگ نوشته‌های به یادگار مانده از آن زمان، خود را از پرستندگان اهورامزدا می‌دانند و بارها با پرستش خدای یکتای اشو زرتشت، آرزو دارند تا سرزمین ایران سرافراز و جاوید بماند. دروغ، بداندیشی و خشکسالی از آن رخت بربندد و نیک‌اندیشی، شادی و دارایی فراوان به مردم برسد؛ چرا که در آیین زرتشت، دروغگو دشمن خدا خوانده شده است. شاهنشاهان هخامنشی نیز به پیروی از این نگرش، دروغگویان را کیفر می‌دادند. داریوش در این رابطه این چنین دعا می‌کنند:

«اهورامزدا این کشور را از دشمن خشکسالی و دروغ بپاید، تو که پس از این شاه خواهی بود خود را سخت از دروغ نگاهدار. اگر اندیشه کنی چکنم تا کشورم در امان باشد. فریب دهنده را کیفر ده.»(۳)

در پی یورش سهمگینی که یونانیان در سال ۳۳۰ پیش از میلاد به فرهنگ و تمدن ایران در دوران هخامنشی وارد آوردند، بسیاری از نوشته‌های آئینی پراکنده و از بین رفتند، پس از آن به سفارش بلاش اشکانی از روی نوشته‌های بازمانده و آنچه در یادها باقی مانده بود دوباره نوشته‌های اوستائی گردآوری شد (ویسهوفر، ۱۳۷۸: ۵۲).

«در طول مدت هشتاد سالی که کشور عزیز ما ایران در زیر سلطه یونانیان و سلوکی‌ها بود، قوانین و رسوم مذهبی زرتشتی در طاق نسیان

گذاشته شده و مردم از ترس فرمانراوایان جبار بیگانه از اظهار عقیده مذهبی و پیروی علنی و آشکار از آیین زرتشت خودداری می‌نمودند. این وضع تا دوره پادشاهی اشکانیان ادامه داشت. اشکانیان گرچه از نژاد ایرانی و دارای مذهب زرتشتی بودند؛ ولی از آن‌جا که مردم ایلیاتی و چادرنشین بودند، به نخجیر، شکار، جنگ و نبرد بیشتر اهمیت داده و به قیود و رسوم آیینی کمتر پایبند بودند. با وجود این، در مدت فرمانروایی اشکانیان به تدریج وضع مغشوش مملکت سر و صورتی گرفت و نفس‌هایی که از ترس اجنبی در سینه‌ها تنگی می‌کرد، به خارج راه پیدا کرد و موبدان و پیشوایانی که خانه‌نشین شده بودند، دوباره به میدان وارد شده مردم را به آیین زرتشتی دعوت کردند»(آذرگشسب، ۱۳۷۲: ۵۲).

ساسانیان آیین زرتشت را دین رسمی ایران کردند و آتشکده‌هایی را در شهرهای بزرگ ایران برای نیایش افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی بر پا داشتند.(٤)

پس از چندی اندیشه پیامبر ایرانی در بین مردم دستخوش تغییراتی به نفع پادشاهان ساسانی شد و مکتوباتی که توسط موبدان دانشمند زمان ساسانی نوشته شده بود، به آن افزوده گردید؛ ولی پیام اشو زرتشت هم‌چنان جایگاه خود را از دست نداد و به‌عنوان شیوه درست اخلاقی برای زندگی انسان‌ها به یادگار ماند.

یورش تازیان به ایران در زمان ساسانیان، بار دیگر ضربه شدیدی بر پیکر فرهنگ و زندگی زرتشتیان وارد آورد.

«در اولین نهضت قشون عرب در زمان خلیفه اول تا حوالی سرحدات ایران به تصرف اعراب در آمد، ولی چنان‌چه تاریخ نشان می‌دهد، زدوخورد بین پیروان مزدیسنی یعنی ایرانیان باستانی با اعراب ابتدا از جنگ قادسیه شروع شد و نتیجه در آن جنگ این شد که رستم فرخزاد فرمانده سپاهیان ایران کشته شد و نظامیانش شکست خوردند. یک سال و نیم پس از ختام این میدان، اعراب از شط فرات عبور کرده و شروع به دست‌اندازی به ممالک و مستعمرات ایران نهادند و هر چه احجار ثمینه و مآثر تاریخی و چیزهای قیمتی به دستشان افتاد، همه را حمل به مدینه نموده و پولهای نقد و غیره را تقسیم عساکر خود نمودند، از آن جمله بساط کسری که آن را بهارستان کسری نیز می‌نامند ...

خلاصه در سنه نوزده هجری یزدگرد برای آخرین وحلـه در اثـر آتـش امید و غضب که در وجودش شعله‌ور گردیده بود قشـونی از تمـام نقـاط ایران گردآورده و به سرکردگی فـیروزان بـه جنـگ اعـراب فرسـتاد و در نزدیکی نهاوند جنگ درگرفت و سرداران هر دو طرف که فیروزان و نعمـان بن مقرن بودند هر دو کشته گردیدند و سپاهیان ایران شکسـت خوردنـد و اعراب این فتح را فتح‌الفتوح خواندند»(اصفهانی، ۱۳۴۸: ۱۲۱).

پس از هجوم تازیان به ایران، حکومت‌های عباسی و اموی در این کشور شـکل گرفته و بر آن بودند تا فرهنگ و زبان عربی را جـایگزین فرهنـگ و زبـان پارسـی سازند.

«پس از برچیده شدن دولت بزرگ ساسـانی و ورود اسـلام بـه ایـران، نیاکان ما در عین پذیرفتن دین مبین اسلام، شخصیت و فرهنگ ملی یعنـی، ادبیات، علوم، زبان، هـنر و آداب و رسـوم دیریـن خـود را نگاهداشـتند. خلفای بنی‌عباس را بر مسند خلافت نشانیدند و زیر نفوذ خود گرفتند. مقـر خلیفه را از دمشق به بغداد، نزدیک مدائن که جزئی از خاک دولت ساسانی بود منتقل کردند و با کمک وزیران کاردان و دانشمند بنام ایرانـی، فرهنـگ عظیم اسلامی را پایه‌گذاری نمودند و بزرگان دانش و فلسـفه و تصـوف و ادب، از هر رشته به دنیا ارزانی داشتند. با آنکه حمله تازیان تغییرات زیادی در کشورهای آسیای باختری و آفریقای شمالی و خاوری بـه وجـود آورد، در ایران جز تغییر مذهب و مسلمان شدن، تغیـیرات مـهم دیگـری بوجـود نیاورده زیرا ایرانیان زبان و فرهنگ و آداب و رسوم خود را نگاهداشـتند و با مذهب جدید سازش دادند.

تازیان با وجود غلبه بر ایرانیان نتوانستند طرز اندیشه مردم را دگرگـون سازند. ایرانیان از حیث استعداد، ذوق، فکر و رسوم بـا آنـها فـرق زیـادی داشتند. همین تفاوت فکر و روحیه یکی از عوامل مهم نهضت ایرانیان برای تجدید عظمت و استقلال شد.

ایران خود را ایرانی نگاهداشـت، امـا کشـورهای دیگـر چـون مصـر، طرابلس، الجزایر، مراکش، سودان، تونس، سوریه، لیبی و لبنان همگی عرب شدند و عرب ماندند»(سامی، ۱۳۶۵: ۷).

با ورود دین اسلام به سرزمین ایران، بعضی از زرتشتیان دین تازه را پذیرفتند. گروهی نیز که توانائی بیشتری برای فرار از فشار اجتماعی بیگانگان داشتند، به کشور هندوستان مهاجرت کردند تا با آزادی موجود در آنجا، فرهنگ و آئین خود را پاسداری کنند. اکنون فرزندان و نوادگان زرتشتی که از ایران کوچ کرده‌اند، در هندوستان به نام پارسیان مشهور هستند.

«نخستین دسته زرتشتیان که به دوری از میهن تن در دادند دانشمندان، عارفان و منجمان کامل نیز همراه بودند. دانشمندانی که ستاره بخت زرتشتیان و ایران و دین را در سده‌های آینده روی به زوال دیدند و برای حفظ دین و پایداری آن به فکر افتادند ... . بنابراین در سال ۱۲۰ یزدگردی از مرکز خویش کهستان واقع در شمال ایران به سوی جنوب و جزیره هرمز رهسپار شدند و ۱۵ سال در آنجا سکنی گرفتند. چون نفوذ اعراب جزایر خلیج‌فارس را هم در برگرفت، پارسیان بار دیگر از آنجا بر کشتی سوار و بادبان برافراشته راه هند به پیش گرفتند. پس از مدت‌ها در ساحل دیب (دیو) واقع در جنوب سند و مغرب کراچی پیاده شدند و ۱۹ سال در آنجا ماندند. در مقارن همان اوقات نیروی اعراب در خاک سند بنای تاخت و تاز را گذاردند. بزرگان پارسی باز به فکر چاره افتادند ...

پارسیان پس از چندی در سال ۱۵٤ یزدگردی وارد سنجان شدند و به فکر بنای آتش ورهرام افتادند. آلات و لوازم و آداب دینی مخصوص کار و بزرگ کردن آتش را با خود نداشتند. چند نفر را برای آوردن آنها از راه خشکی رهسپار خراسان ساختند و هنگام مراجعت آنان دسته دیگری از بهدینان و موبدان نیز به عزم مهاجرت به اتفاق آنها حرکت نمودند... با مراجعت موبدان، آتش ورهرام معروف به ایرانشاه به یاد شاهنشاه ایران که اینک در اود واده مقام دارد در سال ۱۵۹ یزدگردی در سنجان تقدیس تخت‌نشین گردید. پارسیان پس از ۳۰۰ سال اقامت در جوار آتش مقدس و تشکیل کتابخانه دینی در سنجان برای بازرگانی و پیشه و کار به اطراف گجرات پراکنده شدند» (شهمردان ، ۱۳٤۰: ٤۱).

پارسیان هندوستان که سفارش‌های اندیشه اشو زرتشت را از ایران با خود به یادگار برده و آن را الگوی رفتار اجتماعی خود قرار داده بودند، پس از چندی در

سرزمین بیگانه، الگوی وفاداری، پشتکار، کوشش، نوآوری و سازندگی شناخته شدند. آنها از بنیانگزاران صنایع پیشرفته این کشور در رشته‌های گوناگون علمی به‌شمار می‌آیند و با راه‌اندازی کارخانه‌های تولیدی در بخش‌های گوناگون صنعتی، هم اکنون از گروه شهروندان معروف و خوشنام کشور هندوستان هستند.

«در هندوستان، زرتشتیان با نام پارسی، از پیشگامان و بنیانگزاران صنعت، تجارت، بانکداری، کشتی‌سازی، بیمارستان‌های مدرن و مدارس عالی هستند. هواپیمایی هند، نخستین کارخانه ذوب آهن هند در جمشیدپور، نخستین شرکت کشتی‌سازی هند و نخستین کارخانه نساجی هند متعلق به پارسیان است.

عده‌ای از نخبه‌ترین قضات، سفیران، مدیران، پژوهشگران و افسران هند، پارسی بوده و هستند. پدر انرژی اتمی هند یکنفر پارسی است.[وی در حال حاضر رئیس‌جمهور هند است] فرماندهان نیروهای مختلف هند، از پارسیان بودند. تنها مارشال هند و فاتح جنگ هند و پاکستان، یک تن پارسی است. در پاکستان هم زرتشتیان به مقام وزارت و سفارت رسیده‌اند» (مهر، ۱۳۷٤: ۱٥٦).

گروه سوم از زرتشتیان، پایداری، سازش و مبارزه در برابر فرهنگ تازه وارد را بر شیوه‌های دیگر ترجیح دادند و هم‌چنان در سرزمین خود یعنی ایران باقی ماندند و از فرهنگ‌دینی و آداب و رسوم اجتماعی خود در برابر فشار و ستم حکومت‌های پس از ساسانیان پاسداری و نگهبانی کردند.

«برای بررسی سیر تطور ادیان غیراسلامی تحت نفوذ و قلمرو حکومتی اسلامی، باید قبلاً نسبت آن ادیان را با دین طَبقه حاکم، یعنی با دینی که به طور مطلق میزان رد و قبول و حل و عقد بوده است، معلوم نمود. زیرا مدارا با یک مذهب و یا سرکوب کردن جابرانه آن دخالت تامی در سرنوشت آن مذهب دارد. از این نظر که بنگریم، دین زرتشت یک وضع کاملاً روشنی نداشته است. ... ولی از طرف دیگر خود وی عملاً در عربستان در مقابل زرتشتیان آن سرزمین (که از زمان سیادت ایران بر آن سامان، در قسمت‌های مختلف آن مرز و بوم زندگی می‌کردند) مدارا و

شکیبایی نشان می‌داد. این طرز رفتار نیز از طرف لشکریان مهاجم پیروز عرب رعایت می‌گشت، حتی کوشش می‌شد برای مدارا با این دین احادیثی دال بر نظیر یک چنین رفتاری از طرف پیغمبر(ص) بیاورند و واقعاً هم هیچ موردی را نمی‌شناسیم که زرتشتیان به طور منظم و با طرح قبلی مورد تعقیب واقع گشته باشند. اگرچه تجاوزات محلی نسبت به آنها نیز مثل تعدی نسبت به سایر ادیان و مذاهب به ندرت اتفاق نمی‌افتاده است... . زرتشتیان در این موقع می‌کوشیدند تا از این راه با اثبات این امر که ایشان نیز صاحب کتاب آسمانی هستند، خود را با وضع جدید سازش بدهند»(اشپولر، ۱۳۴۹: ۳۳۴).

پس از تازیان، مغول‌ها نیز یورش وحشیانه دیگری را به سرزمین ایران آغاز کردند که در این حمله زرتشتیان نیز در کنار توده مردم ایران ـ که اکثریت آنها را مسلمانان شیعه و گروهی را مسیحی و کلیمی تشکیل می‌دادند ـ از آسیب، چپاول و دربه‌دری بی‌بهره نبودند. در زمان حکومت پادشاهان صفوی، فشارها بر زرتشتیان افزایش یافت؛ به‌گونه‌ای که گروه زیادی از آنان کشته شدند و بعضی نیز دین اسلام را قبول کردند.

«تا زمان صفویه هنوز زرتشتیان در شهرهای یزد، کرمان، خراسان، سیستان، قزوین و اصفهان زندگی می‌کردند و شمار آنها هم نسبتاً زیاد بود، ولی کم‌کم از تعداد آنها کاسته می‌شد و به‌ویژه در زمان سلطنت شاه سلطان حسین تعداد زیادی از آنها طعمه تیغ بیداد شده از میان رفتند»(آذرگشسب، ۱۳۷۲ : ۱۰۱).

«پس از حکومت صفوی، محمود افغان در سال ۱۷۲۰ میلادی از قندهار به سمت کرمان حمله آورد و افغانان، محله زرتشتیان را که در خارج شهر بود تصرف و آنها را قتل و غارت نمودند. بقیه با حال پریشان داخل حصار شدند و عده‌شان حدود ۱۲۰۰۰ نفر بود. به قول صاحب تاریخ کرمان، زرتشتیان مورد حمله و فشار الواط و اشرار واقع و هر روز بلکه هر ساعت انواع آزار و ستم می‌کشیدند. چنان‌که این بندگان خدا مالک مال و جان و عیال خود نبودند»(اشیدری، ۱۳۳۵: ۲۳۹).

این شیوه برخورد هم‌چنان تا زمان حکومت قاجار ادامه داشت. در آن زمان پارسیان هندوستان از فشار اجتماعی و ستم‌های وارد شده بر زرتشتیان ایران با خبر شدند. آنها برای بهبود وضع زندگی هم‌کیشان خود در ایران، نماینده‌ای را بسه نام مانکجی لیمجی هاتریا[1] به ایران فرستادند. او با پشتوانه مالی پارسیان هندوستان و دولت این کشور، به دربار ناصرالدین شاه قاجار شکایت برد و بسیاری از فشارهای ناروا بر جامعه زرتشتی آن زمان ازجمله قانون جزیه (مالیات ویژه غیرمسلمانان در کشور اسلامی) را برای اقلیت‌های دینی از میان برداشت.

برخی خصوصیات جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی زرتشتیان

از آمار زرتشتیان اطلاع دقیقی در دست نیست. ناپیر مالکوم که در سال ۱۹۰۵ میلادی (۱۲۸٤ خورشیدی) به مدت پنج سال در یزد اقامت داشته، در کتاب خود به نام "پنج سال در یک شهر ایران" می‌نویسد: *"در یزد ۱٤۰۰ خانوار زرتشتی ساکنند."* طبق آماری که مانک ملا نماینده انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی ارائه داده، جمعیت زرتشتیان ایران در سال ۱۳۰٦ خورشیدی ۱۰۰۵۲ نفر بوده است. ۲٤ سال بعد، به موجب صورتی که از سوی انجمن زرتشتیان تهران در سی‌ودومین شماره نامه ماهانه اطلاعات در آبان‌ماه ۱۳۲۹ انتشار یافت، جمعیت زرتشتیان ۱۲۸۰۰ نفر به ثبت رسیده است که از این تعداد ۵۵۰۰ نفر ساکن یزد، ۳۵۰۰ نفر ساکن کرمان، ۳۵۰۰ نفر ساکن تهران و ۳۰۰ نفر در دیگر نقاط ایران ساکن بوده‌اند.

به موجب سرشماری عمومی نفوس و مسکن که در آبان ماه ۱۳۳۵ انجام گرفت، جمعیت زرتشتیان به شرح زیر بوده است:

1- Manakji Limji Hatriya

ردیف	استان	تعداد(نفر)
۱	اصفهان و یزد	۷۲۹۱
۲	مرکزی	٤۹۹۲
۳	کرمان	۲۰۱٤
٤	خوزستان و لرستان	۸۰۰
٥	آذربایجان غربی	۲۳۷
٦	فارس و بنادر	۱۷۱
۷	مازندران و گرگان	٦٤
۸	سیستان و بلوچستان	٥۹
۹	گیلان	۳۱
۱۰	کرمانشاه	۳۰
۱۱	آذربایجان شرقی	۲۱
۱۲	کردستان	۹
۱۳	خراسان	٤
جمع		۱٥۷۲۳

۱۰ سال بعد، یعنی در سال ۱۳٤٥ خورشیدی، بنابر سرشماری عمومی نفـــوس و مسکن، جمعیت زرتشتیان از ۱٥۷۲۳ نفر به ۱۹۸۱٦ نفر افزایش یافته است:

ردیف	استان	تعداد(نفر)
۱	مرکزی	۱۰۰۲۹
۲	شهرستان یزد	٤۹۳۳
۳	کرمان	۱۷۲۸
٤	خوزستان و لرستان	٦۲۳
٥	فارس و بنادر	٤۱۲
٦	اصفهان	۳٥۳
۷	مازندران و گرگان	۳۰۹
۸	آذربایجان‌شرقی	۳۰۳
۹	گیلان	۲٤٥
۱۰	فرمانداری‌های کل	۱٤۹
۱۱	آذربایجان‌غربی	۱۳۸
۱۲	کرمانشاهان	۱۳۲
۱۳	سیستان و بلوچستان	۱۲۲
۱٤	کردستان	۹۰
جمع		۱۹۸۱٦

از مقایسه آمار زرتشتیان ایران در سال‌های ۱۳۳۵ و ۱۳٤۵ ملاحظه می‌شود که رشد جمعیت آنها در طول ۱۰ سال، در حدود ۲٦ درصد بوده است و اگر فرض شود که در هفت سال اخیر نیز به همان نسبت بر جمعیت آنها افزوده شده باشد، شماره جمعیت زرتشتیان ایران در حال حاضر به حدود ۲۲۵۰۰ تا ۲۳۰۰۰ نفر رسیده است. مطابق آمار غیررسمی در سرشماری نفوس سال ۱۳۷۵ آمار زرتشتیان ۹٤۰۰۰ نفر گزارش شده است.

در زمان حکومت پهلوی، با اینکه تعداد باقیمانده زرتشتیان اندک بودند، ولی نسبت به گذشته از آزادی بیشتری برخوردار شدند. آنها در سازندگی و آبادانی ایران نقش ویژه‌ای داشتند. کشاورزی و آبیاری پیشرفته را زرتشتیان در ایران گسترش دادند. آموزشگاه‌های زیادی را در روستاها و شهرهای محل سکونت خود برپا داشتند و در باسواد کردن افراد جامعه سهم زیادی را به عهده گرفتند. در یزد، کرمان و تهران مدارسی وجود دارند که سابقه درخشان نزدیک به یکصد سال دارند و از سوی زرتشتیان پایه‌گذاری و اداره شده‌اند. آنان امروزه نیز هم‌چنان نقش خود را در آموزش و پرورش همگانی ایفا می‌کنند.

> «*زرتشتیان با وجود کمی عده، در دوران پهلوی، در آبادانی و سازندگی ایران سهم مهمی به عهده گرفتند. نخستین بانکدار مدرن، مؤسس آبیاری نوین و پدر شهرسازی نوین در ایران زرتشتی بودند. در شماری از شهرها، زرتشتیان اولین کارخانه برق و تلفن را دایر کردند. مدارس زرتشتیان در تهران، یزد و کرمان از برجسته‌ترین مدارس بود. سهم زرتشتیان در فرهنگ و بهداشت ایران، به نسبت جمعیت، بر اکثریت فزونی داشت. در بین زرتشتیان ایران بی‌سواد وجود نداشت و زرتشتیان به نسبت جمعیت، بیشترین شمار پزشک، مهندس و استاد دانشگاه را به میهن خود ایران دادند. نخستین غیرمسلمانان ایرانی که به مقام معاونت نخست‌وزیری، سپهبدی و ریاست دانشگاهی رسیدند، زرتشتی بودند*»(مهر، ۱۳۷٤: ۱۵۷).

از آنجا که یکی از سفارش‌های پیام اشو زرتشت آباد ساختن زمین است، زرتشتیان به کشاورزی علاقه ویژه‌ای نشان داده‌اند. آنها در ازای زندگی پرثمر خود در بخش‌های کویری ایران مانند یزد و کرمان، با ایجاد کاریزهای طولانی، آب را از

دل زمین برگرفته و به زمین‌های پَست و حاصلخیز هدایت کرده‌اند و بسا این کار روستاهای زیادی را در شهرهای کویری به وجود آورده‌اند و در کنار آنها، کاروانسرا، آب انبار، نیایشگاه و مراکز فرهنگی و آموزشی ایجاد کرده‌اند. امروزه بسیاری از این روستاها هم‌چنان سرسبز و دایر است.

ازجمله این روستاها که بیشتر آنها هم‌اکنون به شهرها پیوسته‌اند خرمشاه، قاسم‌آباد، رحمت‌آباد، زرین‌آباد، کسنویه، نرسی‌آباد، کوچه بیوک، اهرستان، مریم‌آباد و اله‌آباد از توابع شهرستان یزد، روستاهای باغ گلستان، باغ خندان، راحت‌آباد و سرده شهرستان تفت، حسن‌آباد و مزرعه کلانتر در شهرستان میبد و روستای شریف‌آباد در شهرستان اردکان را می‌توان برشمرد.

نقش زرتشتیان در تحولات سیاسی ایران

در جریان انقلاب مشروطیت ایران که منجر به پدید آمدن قانون اساسی ۱۹۰۶ شد، گروهی از زرتشتیان به مشروطه‌طلبان یاری دادند.

«اردشیر. جی. ریپورتر سومین نماینده پارسیان در ایران که استاد مدرسه علوم سیاسی هم بود، در آموزش اصول دمکراسی و آزادی به دانشجویان و همراهی با مشروطه‌طلبان و رجال آزادی خواه ایران، مؤثر بود. زرتشتیان چند تن کشته دادند و سرانجام توفیق یافتند در مجلس شورای ملی کرسی برای زرتشتیان و سایر اقلیت‌های مذهبی تأمین نمایند.

از سال ۱۹۵۰ عده‌ای از پارسیان هند، در طلب زندگی بهتر و فرصت‌های فرهنگی و اقتصادی امیدبخش‌تر، به اروپا و آمریکا آمدند. پس از انقلاب اسلامی ایران هم، عده‌ای از زرتشتیان ایران به آمریکا، اروپا، کانادا، استرالیا و دیگر کشورها مهاجرت کردند. در حال حاضر، زرتشتیان مقیم این قاره‌ها اجتماعات و انجمن‌هایی برای حفظ سنت‌های فرهنگی و مذهبی خود تشکیل داده‌اند» (فرهنگ مهر، ۱۳۷٤ : ۱۵٦).

با شکوفایی انقلاب اسلامی ایران زرتشتیان پشتیبانی خود را از آن اعلام کرده‌اند و با حضور خود در جبهه‌های گوناگون، پیروزی نور بر تاریکی را گرامی داشتند و

در این راستا، جانباختگانی را نیز تقدیم ارزش‌های نیک انسانی در زادگاه اهورایی خود سرزمین ایران کرده‌اند.(٦)

گروهی از زرتشتیان در سال‌های گذشته برای به دست آوردن زندگی بهتر و آسایش بیشتر، به شهرهای بزرگتر ایران مانند تهران، اصفهان، شیراز و اهواز مهاجرت کرده‌اند. آنان در هر شهر با تأسیس انجمن‌ها و تشکل‌های گوناگون فرهنگی و اجتماعی، آداب و رسوم و جشن‌ها را همچنان با شکوه برپا می‌دارند. برخی از این تشکل‌ها عبارتند از:

۱- انجمن موبدان تهران، سال تأسیس ۱۲۸٦ خورشیدی.

۲- انجمن زرتشتیان تهران، سال تأسیس ۱۲۸٦ خورشیدی.

۳- انجمن زرتشتیان تفت و توابع مقیم مرکز، سال تأسیس ۱۳۲۳ خورشیدی.

٤- انجمن زرتشتیان شریف‌آباد مقیم مرکز (اشا)، سال تأسیس ۱۲۸٦ خورشیدی.

٥- انجمن زرتشتیان شیراز، سال تأسیس ۱۳۳۰ خورشیدی.

٦- انجمن زرتشتیان کرج.

۷- انجمن زرتشتیان اصفهان، سال تأسیس ۱۳٤۲ خورشیدی.

۸- انجمن زرتشتیان زاهدان.

۹- انجمن زرتشتیان کرمان، سال تأسیس ۱۲۷۱ خورشیدی.

۱۰- انجمن زرتشتیان یزد، سال تأسیس ۱۲۷۱ خورشیدی.

۱۱- انجمن زرتشتیان اله‌آباد یزد.

۱۲- انجمن زرتشتیان کوچه بیوک یزد.

۱۳- انجمن زرتشتیان نرسی‌آباد یزد.

۱٤- انجمن زرتشتیان رحمت‌آباد، یزد.

۱٥- انجمن زرتشتیان تفت و توابع، یزد، سال تأسیس ۱۳۲۳ خورشیدی.

۱٦- انجمن زرتشتیان مریم‌آباد یزد.

۱۷- انجمن زرتشتیان کسنویه یزد.

۱۸- انجمن زرتشتیان شریف‌آباد اردکان یزد، سال تأسیس ۱۳۲٥ خورشیدی.

۱۹- انجمن زرتشتیان قاسم‌آباد یزد.

۲۰- انجمن زرتشتیان اهرستان یزد.

زرتشتیان برای برگزاری آداب و رسوم سنتی خود، در زمان اجرای مراسم آیینی به زادگاه خود به‌ویژه شهرستان‌های استان یزد باز می‌گردند تا کهن‌ترین آئین‌ها و مراسم را در شهرها و روستاهای کویری ایران با خویشان و آشنایان خود برپا کنند.

مراسم و جشن‌ها

زرتشتیان به پیروی از نیاکان آریائی خود و اندیشه پیامبرشان زرتشت، باور دارند که شادمانی از جلوه‌های نیک و سفارش شده اهورامزدا است. بنابراین پیوسته سوگواری و غم را از خود دور می‌کنند و به شادی و جشن روی می‌آورند. بسیاری از جشن‌ها و آداب و رسومی که اکنون زرتشتیان برپا می‌دارند، برگرفته از سنت‌های چند هزار ساله ایران است که پاره‌ای از آنها به پیش از اشوزرتشت باز می‌گردد. زرتشتیان برگزاری این مراسم را به‌صورت امانت پاسداری کرده و هم‌چنان برپا می‌دارند. این‌گونه مراسم، از جشن‌های ملی ایرانیان به‌شمار می‌آید که برجسته‌ترین آنها جشن نوروز، سده، مهرگان، تیرگان و گاهنبار هستند. پاره‌ای دیگر از جشن‌ها و آئین‌ها مانند سدره پوشی، زناشوئی، مراسم ویژه درگذشتگان و نیایش‌ها، ریشه‌های مذهبی و اجتماعی در بین زرتشتیان دارند(نیکنام، ۱۳۷۹: ٤۱).

۱- جشن نوروز

نوروز از جشن‌هائی است که اکنون همه ملت ایران و مردم برخی از کشورهای همسایه ایران آن را برپا می‌دارند. باورهای نمادین جشن نوروز و سفره نوروزی زرتشتیان همان است که در اندیشه و باور ایرانیان غیرزرتشتی وجود دارد. افزون برآن، زرتشتیان باور دارند که ۱۰ روز پیش از آغاز سال نو، مسافرانی با ارزش به سراغ آنها خواهند آمد. آنها میزبان روان و فروهر درگذشتگان خود هستند.(۷)

به همین انگیزه، زرتشتیان پیش از آمدن نوروز خانه‌تکانی می‌کنند؛ خانه و محل زندگی خود را پاک و خوشبو می‌سازند و دل و جان خود را از کینه و خشم و بداندیشی پاک می‌سازند تا روان و فروهر درگذشتگان به هنگام حضور از آنها خشنود گردند و خیر و برکت را به آنها پیشکش کنند.

هنوز هم در بسیاری از روستاها زرتشتیان به هنگامِ غـروب آخریـن روز سـال، سبزه کاشته شده، تاس آب که برگ‌های خشک آویشن دارد، مقداری هیزم خشـک و یک فانوس روشن را بر روی پشت بام خانه خود می‌گذارند؛ سپس در سـپیده دم روز آغاز سال نو برای بدرقه روان و فروهر درگذشتگان، اهل خانه بـه پشـت بـام می‌روند و پشته هیزم را روشن می‌کنند تا آسـمان نخسـتین روز سـال را روشـن‌تر سازند. آنگاه عود می‌سوزانند و با کُندُر و چوب سندل آتش را خوشبو می‌سازند، با پاشـیدن آب و آویشـن در اطـراف بـام خانـه، آرزو می‌کننـد تـا روان و فروهـر درگذشتگان باز هم از آنها سرکشی کنند. آنگاه پس از سپیده دم و بر آمدن آفتـاب، به سوی نور خورشید نیایش پروردگار را انجام می‌دهند و به این ترتیب، به اسـتقبال نوروز می‌روند(نیکنام، ۱۳۷۹ : ۹۵).

۲- جشن سَدِه

جشن سده یکی دیگر از جشن‌های ملی ایرانیان است که زرتشتیان آن را تاکنون برپا داشته و پاسداری کرده‌اند. ایـن جشـن مربـوط بـه تـاریخ مـهار و در اختیـار درآوردن آتش است. آتشی که مهمترین پدیده مورد نیاز مردمان گذشته بـوده، بیـن آریایی‌ها از احترام ویژه‌ای برخوردار بوده است و نماد مهر، گرمی و پاکی به‌شـمار می‌آید. شرح پیدایش آتش، در شاهنامه فردوسی توسط هوشنگ ـ شاه پیشـدادی ـ گزارش شده است.

جشن سده در هر سال با شادمانی و شکوه ویـژه‌ای در دهمیـن روز مـاه بـهمن انجام می‌پذیرد. در غروب روز جشن سده، هیزم‌ها را که به‌صورت پشـته‌هائی روی هم انباشته‌اند، با شعله‌های فانوس روشن می‌سازند تا گرما و روشـنی دل و جـان و روان ایرانیان را افزون و جاودانه سازند. جشن سده در روستای شریف‌آباد اردکـان که هیروُمبا[1] نام دارد با مراسم ویژه‌ای برپا می‌شود. تاریخ برگزاری ایـن جشـن روز اشتاد از ماه فروردین است. این تفاوت زمان به دلیل رعایت نکردن سال‌های کبیسـه

1- Hiromba

از زمان ساسانیان به بعد است. زرتشتیان این روستا به پیر هِریشت[1]، نیایشگاه نزدیک محل سکونت خود می‌روند و در بیابان‌های پیرامون نیایشگاه، پشته‌هایی از چند گونه خار خشک شده فراهم می‌کنند. سپس در ساختمان‌هایی که در کنار نیایشگاه بنا شده است، به شادی و جشن می‌پردازند و نهار را که به‌صورت همگانی تهیه کرده‌اند، صرف می‌کنند.

ساعتی پیش از غروب آفتاب، پشته‌های هیزم را به روستای شریف‌آباد می‌آورند و در فضایی مجاور آتشکده روستا، هیزم‌ها و خارها را روی هم انباشته می‌کنند. سپس با شرکت موبد که آتشدان را در دست دارد سرودها و گفته‌های ویژه‌ای بیان می‌شود. آنگاه موبد شعله‌های آتش را از آتشدان به هیزم‌ها می‌رساند و جشن سده را با روشنائی آتش به پایان می‌رساند(نیکنام، ۱۳۷۹ : ۹۵).

۳- جشن مهرگان

زرتشتیان از تقویم و گاه‌نمای ویژه خود پیروی می‌کنند. در گاه‌نمای زرتشتی هر ماه ۳۰ روز تمام و هر روز آن نام ویژه‌ای برای خود دارد. نام ۳۰ روز ماه به ترتیب عبارتند از: ۱- اورمزد، هرمزد (نام خدا) ۲- وهمن (اندیشه نیک) ۳- اردیبهشت (بهترین اشویی) ٤- شهریور (شهر یاری مینوی) ٥- سپندارمذ (آرمان مقدس) ٦- خورداد (رسایی) ۷- امرداد (جاودانگی) ۸- دی به آذر (آفریدگار روشنایی) ۹- آذر (آتش) ۱۰- آبان (آب) ۱۱- خور، خیر (خورشید) ۱۲- ماه (ماه) ۱۳- تیر، تشتر (باران) ١٤- گوش (حیوانات) ۱۵- دی به مهر (آفریدگار مهر) ١٦- مهر (پیمان) ۱۷- سروش (ندای درونی) ۱۸- رشن (دادگستری) ۱۹- فروردین (نیروی پیشرفت) ۲۰- ورهرام (پیروزی) ۲۱- رام (رامش) ۲۲- باد (باد) ۲۳- دی به دین (آفریدگار دین) ٢٤- دین (وجدان) ۲۵- ارد (توانگری) ٢٦- اشتاد (راستی) ۲۷- آسمان (آسمان) ۲۸- زامیاد (زمین) ۲۹- مانترسپند (گفتار پاک) ۳۰- انارام (روشنایی بی‌پایان).

1- Pir-e-Herišt

اسامی ۱۲ ماه سال نیز در بین نام‌های ۳۰ روز گنجانده شده است. بنابراین در هر ماه روزی فرا می‌رسد که نام همان ماه را دارد. سپس نام روز و ماه یکی می‌شود و زرتشتیان آن روز را جشن می‌گیرند، اینها را جشن‌های ماهیانه می‌گویند. برجسته‌ترین جشن‌های ماهیانه، روز مهر از ماه مهر و جشن مهرگان است.

جشن مهرگان در ایران باستان پس از جشن نوروز، باشکوه‌ترین جشن محسوب می‌شده است. اکنون نیز زرتشتیان این جشن را برگزار می‌کنند. در برخی از روستاهای استان یزد، این جشن مهر ایزد[1] نام دارد و با مراسم ویژه‌ای همراه است.

مهر ایزد پنج روز ادامه دارد. اغلب خانواده‌ها خوراکی‌های سنتی مانند نان تنوری، نان روغنی، چند نوع حلوا، آش، گوسفند تنوری و آجیل مخصوص فراهم می‌کنند. مستمند و توانا باید از این خوراکی‌ها به طور یکسان استفاده کنند. بنابراین در آخرین روز جشن مهرگان، پس از مراسم سازوگشت که در تمام خانه‌های روستائی انجام می‌گیرد، همه در تالار بزرگی که در کنار نیایشگاه یا آتشکده روستا واقع است، گرد هم می‌آیند و پس از نیایش، آجیل و خوردنی‌های جشن مهر ایزد بین همه تقسیم می‌گردد. در مراسم سازوگشتِ مهر ایزد، همه اهل محل؛ زن و مرد، پیر و جوان در کوچه‌های روستا حاضر می شوند. پیشاپیش آنها هنرمندانی دف و سرنا می‌نوازند. این گروه حرکت خود را از سرچشمه آب قنات یا چاه آغاز می‌کنند، سپس به تمام خانه‌های روستا می‌روند. پس از اینکه کدبانوی خانه آینه، گلاب، شیرینی و آجیل را به همه پیشکش می‌کند، یکی از افراد محل با صدای رسا اسامی درگذشتگانی را یاد می‌کند که از چند نسل پیش در آن منزل سکونت داشته‌اند و برای آنان آمرزش درخواست می‌کند. دیگران با گفتن "ایدون باد" آرزوی شادی روان برای درگذشتگان و تندرستی و شادزیوی برای بازماندگان می‌کنند و پس از جمع‌آوری هدایای نقدی برای نیایشگاه و آتشکده روستا، با ساز و دف به سوی منزل بعدی حرکت می‌کنند(نیکنام، ۱۳۷۹ : ۸٦).

1- Mehrizad

٤- جشن تیرگان

جشن ماهیانه دیگری که برابر شدن روز تیر از ماه تیر را گزارش می‌دهد، تیرگان یا آبریزان است. این جشن هم‌چنان در بین زرتشتیان پایدار مانده است. تیر یا تشتر در اندیشه و باور ایرانیان باستان نیرویی بوده که باریدن باران را یاری می‌رسانده است:

«ستاره تشتر فرشته باران بود، هرمزد چون از آفرینش جهان فراغت یافت ستاره تشتر را به آبیاری عالم گماشت تا از ابر باران ببارد و زمین را سیراب کند و گیاهان را خرمی بخشد و گلها را بشکفد و رودها را پرآب سازد و چشمه‌ها را روان کند و کشورهای آریایی را سرسبز و آباد نماید»(یارشاطر، ۱۳۳۷ : ٤٤).

یکی از ویژگی‌های برگزاری این جشن، پاشیدن آب به همدیگر است. سنت آب‌ریزی از بامداد روز جشن در کنار رودخانه، چشمه، قنات یا استخرهای آب انجام می‌گیرد. جشن آب‌ریزان را اغلب جوانان و نوجوانان انجام می‌دهند، تا سرگذشت سال‌های رنج‌آور خشکسالی را یادآوری کنند و شادمانی نیاکسان را به هنگام پیروزی تشتر و باریدن باران ارج گذاشته و جشن گرفته باشند. فال کوزه نیز یکی از مراسم ویژه جشن تیرگان است که بیشتر توسط دوشیزگان و بانوان صورت می‌گیرد.

سنت دیگر در جشن تیرگان، نخ‌های ابریشمی هفت‌رنگ است که دوشیزگان و بانوان زرتشتی بر مچ دست خود می‌بندند. این سنت شاید سمبل رنگ‌های رنگین کمان آسمان به هنگام بارندگی باشد. این نخ‌ها را تیر و باد[1] می‌گویند و از روز تیر و جشن تیرگان بر دست گره می‌زنند و تا ده روز بعد، یعنی روز باد به دست خود دارند. در آن روز بر جای بلندی می‌روند و با خواندن ترانه‌هائی نخ را از دست خود باز می‌کنند و آن را به باد می‌دهند و تیر آرش کمانگیر را که باور دارند در چنین روزی از کمان رها شده و توسط ایزد باد هدایت گردیده تا مرز ایران و توران را در ایران آن زمان مشخص کند، یادآوری کرده باشند(نیکنام، ۱۳۷۹ : ۷۹).

1- Tir – o - Bad

۵- جشن گاهنبار

گاهنبار از جشن‌هایی است که به پیشه نخستین ایرانیان، یعنی کشاورزی و دامداری ارتباط دارد و در هر سال شش مرتبه و در زمان ویژه‌ای برگزار می‌شود. شاید سابقه برگزاری این جشن به پیش از زرتشت باز گردد. در آغاز جشن کشاورزی بوده است و در هر فصل که تغییراتی مفید برای زمین، گیاه، آب و هوا رخ داده، شادمانی کشاورزان را به همراه داشته است. انسان‌ها در محلی گردهم جمع شده‌اند و همایشی برای بهتر شدن شیوه‌های کشاورزی و دامپروری تشکیل می‌دادند و از سوی دیگر، بخشی از سود کشاورزی و دامپروری را به نیازمندان پیشکش می‌کردند. برخی از پژوهشگران نیز شش نوبت اجرای گاهنبار را به شش مرحله آفرینش در باورهای سنتی زرتشتیان نسبت داده‌اند.(۸)

موبدان دوره ساسانی با سرودن آفرینگان[1] ـ که نیایش ویژه‌ای برای اجرای مراسم است ـ جلوه مذهبی نیز به گاهنبار داده‌اند. از آن زمان موبد با لباس سپید برای سرایش آفرینگان در گاهنبار شرکت می‌کند. این جشن در خانه‌ها و یا سالن‌ها برپا می‌شود. نخست در محل ویژه‌ای سفره گاهنبار گسترده می‌شود. نان و خوراکی‌های سنتی، میوه و چیزهایی دیگر که به‌عنوان سمبل فراهم شده است، روی سفره می‌گذارند. موبد با لباس سفید در کنار سفره گاهنبار می‌نشیند و بخش‌هایی از اوستا را می‌سراید و شرکت کنندگان نیز او را همراهی می‌کنند. دهموبد[2] (همکار موبد) در پایان مراسم مقداری از چند نمونه خشکبار که لُرک[3] نام دارد،(۹) به طور مساوی بین همه پخش می‌کند و میوه‌هایی را که در هنگام اجرای مراسم به قسمت‌های کوچکتر تبدیل کرده است نیز به شرکت کنندگان می‌دهد. در برخی از گاهنبارها، نان تنوری و سبزی نیز به همه داده می‌شود و با آش و آبگوشت از همه پذیرایی می‌گردد.

1- Afrinqan

2- Dehmobed

3- Lork

٦- آئین سدره پوشی

هر نوجوان که زرتشتی زاده باشد، آزاد است تا دین و اندیشه نیاکان خود را به اختیار خود و از روی خِرَد بپذیرد. در پیام زرتشت هات ۳۰ بند ۲ آمده است:

ای مردم این حقیقت را به گوش هوش بشنوید.
با اندیشه روشن و ژرف بینی آنها را بررسی کنید.
هر مرد و زن راه نیک و بد (دین) را مشخصاً برگزینند.
پیش از فرا رسیدن روز واپسین همه بپا خیزند.
و در گسترش آیین راستی بکوشید(آذرگشسب، ۱۳۷۲: ۱۳۱).

زمانی که دختر یا پسر آنها با خِرَد خویش دین نیاکان خود را باور کرد و به سن خردمندی رسید، آنگاه برابر یک سُنت دیرینه، جشنی زیبا و ساده برپا می‌شود. در این آئین، نوجوان پیراهنی بدون یقه و سفید از جنس کتان به نام سِدْره[1] می‌پوشد. موبد بخش‌هائی از اوستا را می‌سراید و کمربند نازکی به رنگ سفَید و از جنس پشم گوسفند به نام کُشتی[2] را سه بار بر روی سدره و به دور کمر نوجوان گره می‌زند. سدره و کُشتی سمبل و نشان بیرونی زرتشتیان است که بیانگر و پشتوانه نمادهای درونی مزداپرستان؛ یعنی اندیشه، گفتار و کردار نیک است.

۷- آئین زناشوئی

زناشوئی در آئین زرتشتیان بسیار پسندیده است و ازدواج نکردن از گناهان به‌شمار می‌آید. در سنت زرتشتیان، دختر و پسر بر پایه آزادی و برمبنای خِرَد، همسر خود را انتخاب می‌کنند. پدر، مادر و خویشان نباید در این گزینش پافشاری انجام دهند.

اَشوزَرتشت پیامبر ایرانی در بندی از گاتاها به عروس و داماد چنین می‌فرماید:

ای تازه عروس و ای پسر جوان
دین را از روی خرد باور کنید.
و راه زندگی را با منش نیک بپیمایید.

1- Sedreh　　2- Košti

کوشش کنید تا در انجام زناشویی.
از دیگری پیشی بگیرید.
تنها با این روش می‌توانید.
زندگی شادی‌بخش با همسر خود داشته باشید.
و کامیاب و رستگار شوید(آذرگشسب، ۱۳۷۲: ۵۲۹).

خواستگاری، گواه‌گیری (عقد)، جشن عروسی و پاتختی از مراسمی است که در ازدواج و زندگی زناشویی زرتشتیان وجود داشته است و اکنون نیز در بسیاری از شهرها و روستاها با همان شیوه برگزار می‌شود.

خویشان داماد نُقل و شیرینی، انار سکه زده، دستمال سبز ابریشمی با دانه‌های سنجد و برگ‌های خشک آویشن، قند سبز و شاخه‌هائی از سرو را به خانه عروس می‌برند و پس از دریافت آینه و گلاب و شربت و شیرینی، از عروس خواستگاری می‌کنند.

مراسم گواه‌گیری مدتی بعد انجام می‌شود. در این مراسم چند نفر جوان سینی‌های مسی بر روی سر خود حمل می‌کنند.(۱۰) پیشاپیش این گروه یکی از بستگان فانوس روشن به دست دارد و دیگری آتشدان که بوی خوش عود و سندل پراکنده می‌کند و هنرمندانی دف و ساز می‌زنند تا گروه با شادمانی به پیش بروند.

عروس در مراسم گواه‌گیری لباس سبز می‌پوشد و تور پارچه‌ای سبز بر سر دارد. داماد نیز کلاه سبز مخصوصی بر سر می‌گذارد و بسر روی شانه راست او دستمال ابریشمی سبز وجود دارد. برادر و یا نوجوانی از بستگان داماد بالای سر او می‌ایستد و سینی کوچکی را بالای سر داماد می‌گیرد.(۱۱) حداقل هفت نفر از خویشان و آشنایان باید گواه و شاهد بر این پیوند زناشویی باشند.

موبد با لباس سپید مراسم ویژه‌ای را بر پا می‌دارد که در آن اندرزهائی بر گرفته از پیام اشوزرتشت را به عروس و داماد سفارش می‌کند. عروس و داماد در گزینش یکدیگر پاسخ مثبت می‌دهند و باشندگان مجلس شادباش می‌گویند. سپس موبد اندرزهائی را برای زندگی آینده عروس و داماد سفارش می‌کند و در پایان، با پاشیدن دانه‌های جو، برنج و برگ‌های خشک آویشن بر سر و روی آنها، تندرستی و شادزیوی را آرزو می‌کند.

در جشن عروسی نیز خانواده‌های عروس و داماد با هم شرکت کرده و شادمانی جشن را با آواز و سرود و ترانه افزون می‌سازند. روز پس از عروسی، پاتختی برگزار می‌شود. خویشان و کسانی که شرکت می‌کنند، پس از جشن و شادی، روز پاتختی هدایایی را نیز به رسم یاد بود به عروس و داماد پیشکش می‌کنند (نیکنام، ۱۳۷۹: ۷۰).

زرتشتیان در رسم سنتی و دینی خود، تنها یک همسر بر می‌گزینند و در مورد زناشویی مهریه نیز پرداخت نمی‌کنند. جدایی زن و شوهر نیز به ندرت و تنها در مواردی خاص صورت می‌گیرد.(۱۲)

۸- آیین درگذشتگان

مرگ انسان در کیش زرتشتی پایان زندگی نیست، بلکه آغازی برای ادامه شادی روان به‌شمار می‌آید. به همین انگیزه، سوگواری و ماتم پس از درگذشت هر شخص پسندیده نیست. تن هر فرد در آیین زرتشتی ارزش فراوانی دارد؛ از این‌رو باید بدن را پاک نگاهداشت و نیازهای طبیعی آن را برآورده کرد و نیرومندی آن را فراهم ساخت. ولی با مرگ انسان، جسم بی‌ارزش می‌گردد و باید به‌گونه‌ای عمل کرد که محیط زیست برای زنده‌ها آلوده نگردد.

ایرانیان باستان با شیوه‌هایی گوناگون جسد مردگان را از بین می‌بردند که یکی از این روش‌ها، دخمه‌گذاری بوده است. دخمه برجی بود که در بالای کوه و دور از محل زندگی ساخته شده بود و جسد مردگان را در داخل آن می‌گذاشتند تا خوراک کرکس‌ها شود. زرتشتیان این روش را تا حدود ٤٠ سال پیش در یزد، کرمان و برخی از نقاط ایران انجام می‌دادند. اکنون ویرانه ساختمان برخی از دخمه‌ها در این شهرها مشاهده می‌شود. از آن زمان به بعد زرتشتیان جسد مرده‌های خود را به خاک می‌سپارند.

پس از خاکسپاری، در پسین روز سوم پس از درگذشت و سپیده دم روز چهارم، سپس در روز دهم و روز سی‌ام، با سرایش بخش‌هایی از اوستا، مراسم آئینی ویژه درگذشتگان در منزل متوفی و یا در تالارهای همگانی برگزار می‌شود.

در این مراسم، بازماندگان و خویشان گردهم می‌آیند و با تهیه نان خانگی و خوراکی‌های سنتی و با نیایش خود، یاد و خاطره درگذشته را ارج می‌گذارند.

نیایش و نیایشگاه

در سنت زرتشتیان نیایش به‌صورت فردی یا گروهی و پنج نوبت در شبانه‌روز انجام می‌گیرد. از آنجا که پرستش "سو" (قبله) زرتشتیان روشنایی است، آنها به سوی نور و روشنایی نماز می‌خوانند. در برخی از روزها، به آتشکده می‌روند تا رو به روشنایی آتش، نماد مهر و گرمی که توسط موبد آتشبان نگهداری و پاسداری شده است، اهورامزدا را ستایش کنند.

آتشکده‌ها یکی از نیایشگاه‌های زرتشتیان است. از آنجا که در ایران باستان چهار آخشیج (عنصر) همواره مورد پاسداشت و گرامی بوده است؛(۱۳) ایرانیان باستان از گذشته‌های دور از آنها به‌عنوان پاک کننده‌ها بهره می‌گرفتند و تلاش می‌کردند با احترام ویژه به آب، خاک، روشنایی و هوا، آنها را آلوده نسازند و محیط زیست سالم داشته باشند. نخستین نیایشگاه‌ها که مربوط به آیین مهری بود، در دامنه کوه‌ها و محل جوشش چشمه‌ها ساخته شده تا آخشیج‌های چهارگانه به هنگام طلوع خورشید گرامی داشته شود. از هنگامی که ایرانیان آتش را کشف و آن را مهار کرده و در اختیار خود درآوردند، روشنایی مصنوعی که توسط آتش به وجود می‌آمد نیز از ارزش ویژه‌ای برخوردار گردید. از آن پس، در کنار روخانه‌ها و چشمه‌ها، آتشکده ساخته شد و پس از مدتی، خانه‌ها و مراکز آموزشی در کنار آتشکده بنا گردید و اجاق خانه‌ها روشنایی آتش مورد نیاز خود را از آتشکده‌ها فراهم می‌کردند:

> *«و اما ... چرا آتش را در آتشکده‌ها، فروزان نگاه می‌داریم؟ از یاد نبریم که گوهر هستی، (آتش) است. و آتش راست‌ترین جلوه فروغ بیکران آفریدگار است. از یاد نبریم که آتش، شایسته‌ترین (پرستش سو) عاشقان شناخت و شیفتگان معرفت خداوند است. از یاد نبریم که زبانه‌های افروخته و افراخته آتش، یادآور ارزش‌های راستین وجود انسان، چون راستی، پاکی، پارسایی، پویایی، رسایی، آزادگی، فرزانگی، سربلندی و سرافزاری است.*

بیاد بیاوریم که پیشروی تند انسان در شاه‌راه تمدن و تکامل زندگی، از زمانی آغاز شد که چگونگی مهار آتش را آموخت و آن را برای پیش‌بری جهان و فرابری زندگی خود، بکار گرفت. از یاد نبریم که سکوی جهش انسان متمدن، از دیروز به امروز آتش بوده است و از امروز به فردا نیز بی‌گمان آتش خواهد بود. پس از این‌رو، بر بشریت است که آتش را، دست‌کم از این جهت، ارج گذارد و آن را چون درفشی به نشانه سرافرازی‌های تمدن چندین هزار ساله خویش، همواره برپا و روشن نگاهدارد.

به روایت شاهنامه فردوسی، آریائیان در سال‌های نخستین حکومت پیشدادیان، راه افروختن آتش را یافتند و شیوه مهار کردن آن را آموختند. از آن زمان تحولی شگرف در چگونگی زندگی آنان پدید آمد. آنان، این رویداد بزرگ را شادمانه جشن گرفتند و جهت گرامی داشت یاد آن، و نیز برای بهره‌گیری همگانی از این پدیده ارزشمند هستی، آن را در جایگاه‌های ویژه‌ای، در هر کوی و برزن افروختند و جانانه نگاهداشتند و بدین‌گونه بود که آتشکده‌ها به وجود آمد» (خنجری، ۱۳۷۵: ۱۰۱).

پس از اینکه مردم به دین یکتاپرستی زرتشت گرویدند، به سفارش پیامبرشان هم‌چنان نور و روشنایی گرامی داشته شد. زرتشتیان به هنگام نماز و نیایش خویش رو به سوی روشنایی کردند و آتشکده‌ها هم‌چنان مکانی برای ارج گذاشتن و پاسداری از چهار آخشیج، به‌ویژه آتش که به‌عنوان سمبل پاکی و مهر است، در زندگی اجتماعی زرتشتیان نقش ویژه خود را حفظ کرده است.

زرتشتیان در برخی از شهرهای ایران نیایشگاه‌هایی نیز دارند که به آنها "پیر" می‌گویند. در استان یزد پیرهایی وجود دارند که برخی از آنها در دامنه کوه‌ها و خارج از شهر واقع شده‌اند. نام زیارتگاه‌های یزد عبارتند از:

۱- پیرسبز (چک چک) واقع در کوه‌های خرانق یزد، روز گردهمایی از ۲۴ تا ۲۸ خورداد(خرداد).

۲- پیرهریشت، واقع در ۱۴ کیلومتری اردکان و ۸۰ کیلومتری یزد، روز گردهمایی از ۷ تا ۱۱ فروردین.

۳- پیرنارکی، واقع در غرب شهرستان مهریز و ۵۵ کیلومتری یزد، روز گردهمایی از ۱۱ تا ۱۵ مرداد.

٤- پیرنارستانه، واقع در دره‌ای در ۳۰ کیلومتری شرق یزد به نام مریم‌آباد یزد، روز گردهمایی از ۲ تا ٦ تیر.

۵- پیربانو (پارس بانو)، واقع در دره‌ای در جنوب شهر عقدا و شمال غربی یزد، روز گردهمایی از ۱۳ تا ۱۷ تیر.

٦- ستی‌پیر، واقع در نزدیکی مریم‌آباد یزد، روز گردهمایی: ٢٤ خورداد (خرداد).

پیرها در روزهای ویژه‌ای از سال شاهد حضور بسیاری از زرتشتیان هستند. آنها در روزهای ویژه هر پیر (که هر یک پنج روز ادامه دارد) در آن مکان حضور می‌یابند، عود، شمع و چراغ‌های روغنی روشن می‌کنند، کندر و چوب سندل بر آتش می‌گذارند تا بوی خوش پراکنده سازد و آنان در فضای ویژه‌ای، خداوند جان و خِرَد را ستایش کنند.

جمع‌بندی

در این مقاله، به شکلی گذرا به دین و فرهنگ زرتشت و زندگی زرتشتیان ایران پرداخته شد. دریافتیم که مردم ایران از روزگار باستان و پیش از یکتاپرستی، عناصر طبیعت را مورد پرستش قرار می‌دادند. آنها به دو نگرش در طبیعت باور داشته و خدایان خوب و بد را برای آن در نظر گرفته بودند و برای خشنودی خدایان ویرانگر پنداری خود، قربانی‌ها می‌کردند. زرتشت پیام‌آوری بود که حدود ۱۷۳۸ سال قبل از میلاد مسیح متولد گردید و چون اندیشه‌ای روشن و ذهنی کنجکاو داشت، آداب و رسوم خرافی مردم آن زمان را نپذیرفت. وی در سن ۲۰ سالگی، به مدت ۱۰ سال، به طبیعت روی آورد و با آگاهی از راز هستی به میان مردم آمد و با بیانی شیوا، مردم را به یکتاپرستی فرا خواند. خدای اندیشه او، اهورامزدا بود؛ خداوندی که جان داد و خِرَد بخشید. زرتشت برای اینکه با سرعت بیشتری آیین راستی و خِرَد را بین مردم گسترش دهد، به دانایان آن روزگار روی آورد و از سوی گشتاسب کیانی حمایت گردید.

بهترین دوره‌های شکوفایی اندیشه زرتشت در دوران هخامنشی و سپس اشکانی بود. هنگامی که دین زرتشت با سیاست دربار ساسانی آمیخته گردید، دستخوش تغییراتی از سوی ابتکارگران آن زمان و به سود پادشاهان ساسانی گردید. آنگاه یورش تازیان و شکست دولت ساسانی را به همراه داشت که با ورود تازیان، گروهی از مردم به دین اسلام روی آوردند. دسته‌ای نیز که توانایی مالی بیشتری داشتند به کشور هندوستان مهاجرت کردند و پس از گذشت چندین سال، از زندگی سازنده و آرامی برخوردار شدند. بعضی نیز در وطن خود، یعنی ایران ماندند و هم‌چنان آیین نیاکان خود را در این سرزمین پاسداری کردند. این دسته، زرتشتیان امروز به‌شمار می‌آیند. آنان از تعرض برخی حکومت‌های پس از اسلام در ایران آسیب‌ها و ستم‌های فراوانی را تحمل کردند و چون از فرهنگ دینی خردمندی برخوردار بوده‌اند، همواره با تلاش و پشتکار خود در ایران به‌ویژه در شهرهای کویری مانند یزد و کرمان، از زندگی سازنده‌ای برخوردار شده‌اند. در حال حاضر، زرتشتیان در برخی از شهرهای ایران ازجمله تهران، یزد، کرمان، شیراز، اصفهان، کرج و شهرهای دیگر سکونت دارند و با انتخاب شغل‌های گوناگون در کنار شهروندان دیگر، زندگی مناسبی دارند. آنان سازمان‌ها و انجمن‌هایی برای پیشبرد مسائل اجتماعی خود تأسیس کرده‌اند، از آداب و رسوم سنتی خود پیروی می‌کنند و در برگزاری جشن‌های ملی و مذهبی کوشا هستند.

یادداشت‌ها :

۱- نوشته آیینی یسنا دارای ۷۲ هات (فصل) است که درباره خداوند، جهان، راه درست زیستن و پیروی از اندیشه، گفتار و کردار نیک سخن می‌گوید. ۱۷ هات آن پیام زرتشت است و هات‌های دیگر را دانایان و پیشوایان دینی زمان پیامبر و پس از او سروده‌اند.

۲- گات‌ها، نیروی تشخیص خوب از بد را به نام دئنه Daena آورده است که به معنی وجدان آگاه و بیدار است. این واژه در زبان فارسی به دین تبدیل شده است.

۳- سنگ نوشته بیستون.

٤- سه آتشکده معروف زمان ساسانی که بازمانده‌های آن هم‌چنان پابرجاست، عبارت بودند از آذرگشسب در شهر شیز (آذربایجان) ویژه پادشاهان، آذر برزین مهر که نیایشگاه مربوط به دهقانان بود در ریوند خراسان و آذر فرنبغ که به موبدان اختصاص داشته و در کاریان فارس بود.

۵- البته شهید مطهری در این باره دیدگاه متفاوتی دارد که در اثر معروف وی یعنی "کتاب سوزی ایران و مصر" نظر فوق را ردّ کرده است. در این زمینه می‌توان به آن منبع مراجعه کرد. (یادداشت سردبیری)

٦- زرتشتیانی که در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران شرکت کردند و جان باختند عبارتند از: مهندس داریوش شهزادی، دکتر اسفندیار دارابیان، مهندس فرهاد خادم، بهروز باستانی، کیخسرو کیخسروی، کامران گنجی، مهرداد فراورنی، فریدون نژادکی، جهانبخش نمیرانیان، رستم آذرباد، دبهیم شهریاری، پرویز آبادی، داریوش آبادیان، جمشید گشتاسبی.

۷- فروهر که در اوستا به‌صورت فروشی آمده است، ذره‌ای از نیروی اهورایی در نهاد هر شخص است که همراه با روان پس از مرگ از تن جدا می‌گردد و به اهورا می‌پیوندد.

۸- بندهشن یکی از نوشته‌های پهلوی گزارش می‌دهد که آفرینش جهان در شش مرحله انجام گرفته است. نخست آسمان، سپس آب، زمین، گیاه، جانور و آخرین مرحله که جشن گاهنبار آن در پایان هر سال و آغاز نوروز قرار گرفته است، انسان آفریده شده است.

۹- لُرک مخلوطی از چند نمونه خشکبار مانند خرما، انجیر، پسته، بادام، کشمش، گردو، برگه هلو، سنجد و ... می‌باشد که پس از مراسم به‌طور مساوی بین حاضران تقسیم می‌شود.

۱۰- در سینی‌های مسی، قند سبز، کاسه نبات، نقل و شیرینی، آینه و گلاب پاش، برخی لباس نو برای عروس و داماد و حلقه‌های طلایی یا نقره‌ای گذاشته‌اند و روی سینی را با پارچه‌های بزرگ سبز رنگ پوشانده‌اند.

۱۱- در آن سینی، کتاب اوستا، دستمال سبز، انار شیرین، تخم‌مرغ، قیچی و مقداری شیرینی و نقل و برگ‌های خشک آویشن و دانه‌های سنجد گذاشته‌اند.

۱۲- شرایط جدایی زن و شوهر:

الف) هر یک از طرفین از خردمندی به دور شود و دیوانه باشد.

ب) هر یک از پاکدامنی خارج گردد.

ج) هر یک ترک آیین راستی کنند (آیین زرتشت را ترک کنند).

۱۳- ایرانیان باستان از گذشته‌های دور آب، خاک، هوا و آتش را به‌عنوان پاک کننده‌ها به حساب می‌آورند و سعی می‌کردند که آنها را در محیط زیست خود آلوده نسازند.

منابع :

۱- آذرگشسب، موبد اردشیر (۱۳۷۲)، *مراسم مذهبی و آداب زرتشتیان*، تهران: فروهر.

۲- آذرگشسب، موبد فیروز (۱۳۵۱)، *گات‌ها و سرودهای زرتشت*، جلد اول، تهران: فروهر.

۳- آشتیانی، جلال‌الدین (۱۳۷٤)، *زرتشت مزدیسنا و حکومت*، تهران: شرکت سهامی انتشار.

٤- اشپولر، برتولد (۱۳٤۹)، *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ترجمه جواد فلاطوری، جلد اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

٥- اشیدری، جهانگیر (۱۳۳٥)، *تاریخ پهلوی و زرتشتیان*، تهران: هوخت.

٦- اصفهانی، حاجی‌میرزا عبدالمحمدخان (۱۳٤۸ هـ.ق)، *زرتشت باستانی و فلسفه او*، مصر: الاعتماد و بشارع.

۷- اومستد، ا. ت. (۱۳٥۷)، *تاریخ شاهنشاهی هخامنشی*، ترجمه دکتر محمد مقدم، تهران: امیرکبیر.

۸- بختورتاش، ن. (۱۳۷٤)، *حکومتی که برای جهان دستور می‌نوشت*، تهران: فروهر.

۹- پورداود، ابراهیم (۱۳٥٦)، *یسنا*، جلد اول، تهران: بی‌جا.

۱۰- جعفری، علی‌اکبر (۱۳٥۹)، *ستوت یسن*، تهران: فروهر.

۱۱- خنجری، خداداد (۱۳۷٥)، *بینش زرتشت*، تهران: چیستا.

۱۲- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳٥٦)، *دو قرن سکوت*، تهران: جاویدان.

۱۳- سالور، سبکتکین (۱۳٤۰)، *بنیاد شاهنشاهی ایران*، تهران: اقبال.

۱٤- سامی، علی (۱۳٦٥)، *نقش ایران در فرهنگ اسلامی*، شیراز: نوید.

۱٥- شهزادی، موبد رستم (۱۳۷۱)، *زرتشت و آموزش‌های او*، تهران: فروهر.

۱٦- شهمردان، رشید (۱۳٤۰)، *فرزانگان زرتشتی*، بمبئی: سازمان جوانان.

۱۷- معین، محمد (۱۳٥٥)، *مزدیسنا و ادب پارسی*، جلد اول، تهران: دانشگاه تهران.

۱۸- مهر، فرهنگ (۱۳۷٤)، *دیدی نو از دینی کهن؛ فلسفه زرتشت*، تهران: جامی.

۱۹- نیکنام، کوروش (۱۳۷۹)، *از نوروز تا نوروز*، تهران: فروهر.

۲۰- ویسهوفر، یوزف (۱۳۷۸)، *ایران باستان*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.

۲۱- یارشاطر، احسان (۱۳۳۷)، *داستان‌های ایران باستان*، تهران: ترجمه و نشر کتاب.


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی